

هوش مصنوعی می‌تواند ارزش‌های دیجیتال – و چیزهای دیگر– را ظرف پنج سال نابود کند

آیا باید ترسید؟!

هوش مصنوعی با سرعت سرسام‌آوری در حال تکامل است و در بسیاری از صنایع برای عملکردهای تجاری و مرتبط با مصرف‌کننده، از جمله صنعت مالی، به ابزاری ضروری و مفید تبدیل شده است. پذیرش سریع هوش مصنوعی تا حد زیادی ناشی از موانع کم ورود به آن است، جایی که هر کسی که کامپیوتر و اتصال به اینترنت دارد می‌تواند با هوش مصنوعی تعامل داشته و آن را توسعه دهد. با این حال، رشد هوش مصنوعی، خطرات جدی‌ای را به همراه دارد؛ هوش مصنوعی در حال حاضر به اندازه کافی پیشرفته است که از طریق مدل‌های زبان بزرگ (LLM) و عامل‌های هوش مصنوعی به‌هک کردن تحت‌رهبری انسان کمک کند.

ظرف پنج سال، هوش مصنوعی توانایی‌هایی را برای هک کردن در جبهه دیگری و بسیار خطرناک‌تر توسعه خواهد داد؛ از طریق هوش مصنوعی عمومی (AGI) هنگامی که AGI به دست آید، توسط مردم کنترل نخواهد شد. مگر اینکه دولت‌ها و نهادهای نظارتی اکنون وارد عمل نشوند (حتی در این صورت، شانس کنترل آن کم است)، هوش مصنوعی عمومی از محدودیت‌های سازندگان خود فرار کرده و به‌طور خودکار رمزگذاری‌های ارزش‌های دیجیتال و کل سیستم‌های دیجیتال جهانی را هک خواهد کرد.

از زمان ظهور هوش مصنوعی، این ابزار شاهد افزایش چشمگیری در عرصه تجاری بوده است که یکی از جدیدترین تکرارهای آن، عامل‌های هوش مصنوعی است. این‌ها سیستم‌های پیچیده و دقیق هستند که برای انجام وظایف تخصصی و تصمیم‌گیری با حداقل دخالت انسان طراحی شده‌اند. این سیستم‌ها در حال حاضر فضای فناوری را متحول کرده و به ابزاری مفید و روزمره برای بسیاری از تعاملات اساسی انسانی، مانند خودروهای خودران، شناسایی تقلب، معاملات زنجیره‌ای و ایجاد اپلیکیشن تبدیل شده‌اند.

تکامل بعدی هوش مصنوعی عمومی خواهد بود، یک سیستم پیچیده که می‌تواند هر کاری را که یک انسان می‌تواند انجام دهد، انجام خواهد داد به‌طوری‌که به درخواست یا مداخله انسانی نیازی نخواهد داشت. به‌سادگی دارای استقلال بی‌درنگ خواهد بود؛ توانایی انجام وظایف، اما همچنین تشخیص اینکه چه زمانی یک کار باید انجام شود. قرار است این امر در دو سال آینده محقق شود. مدیرعامل اوپن‌ای‌آی، سام آلتمن و ایلان ماسک، اظهارات علنی مبنی بر اعلام نقشه‌های راه روشن برای دستیابی به هوش مصنوعی عمومی داشته‌اند. صرف‌نظر از اینکه چه کسی ابتدا به آنجا می‌رسد، زمان تصمیم خواهد گرفت که آیا آن‌ها فرمان هستند یا نابودکنندگان جهان.

■ ■ ■

■ **تکامل بالقوه موارد استفاده؛ دوست و دشمن**

در کنار ناآوری‌های مثبت، هوش مصنوعی کار بازیکران غیراخلاقی برای کلاهبرداری را تسهیل می‌کند. مدل‌های زبان بزرگ (LLM) و عامل‌های

ابریزنامه بیدار می‌شود

تلاش تلگرام برای سلطه بر دنیای رمزارزها

اخیراً، فرانسه و ویتنام تلگرام را مستقیماً به سرخط خبرها آورده‌اند. با این حال، هیچ مداخله دولتی توانست مانع از رسیدن آن به نقطه عطف یک میلیارد کاربر در استفاده گذشته شود. ساخته پاول دورف به برنامه پیام‌رسان جهانی محبوب تبدیل شده و جایگاه خود را به عنوان یک پرکار اجتماعی به رسان، جهان‌مندان به وب ۳ و پذیرندگان اولیه بلاک‌چین نیز تثبیت کرده است.

تلگرام، ساده، قابل اعتماد و ارانه‌دهنده نه فقط وعده، بلکه یک پلتفرم آماده، فرصتی بی‌نظیر برای صنعت رمزارزهاست تا به پذیرش انبوه دست یابد. ما در مورد بزرگ‌ترین بازار دست‌نخورده برای برنامه‌های رمزارزی رو به مصرف‌کننده صحبت می‌کنیم. تلگرام دیگر صرفاً جایی نیست که جوامع رمزارزی در آن گفت‌وگو می‌کنند؛ بلکه به سرعت در حال تبدیل شدن به بستری است که در آن به ساخت و ساز می‌پردازند.

■ ■ ■

■ **تلگرام چیزی فراتر از یک پلتفرم است**

پیشنهاد تلگرام فراتر از امنیت و حریم خصوصی است؛ بسیاری از افراد روزانه از این برنامه استفاده می‌کنند بدون اینکه هرگز به رمزگذاری سرتاسری فکر کنند. طراحی ساده و پیام‌رسانی کارآمد، ارزش‌هایی هستند که تلگرام را از رقبای خود متمایز می‌کنند، در حالی که مینی‌اپ‌های تلگرام که به سرعت در حال گسترش هستند و مقیاس پذیرش آن‌ها، مزیت نهایی را به این پلتفرم ارائه می‌دهند.

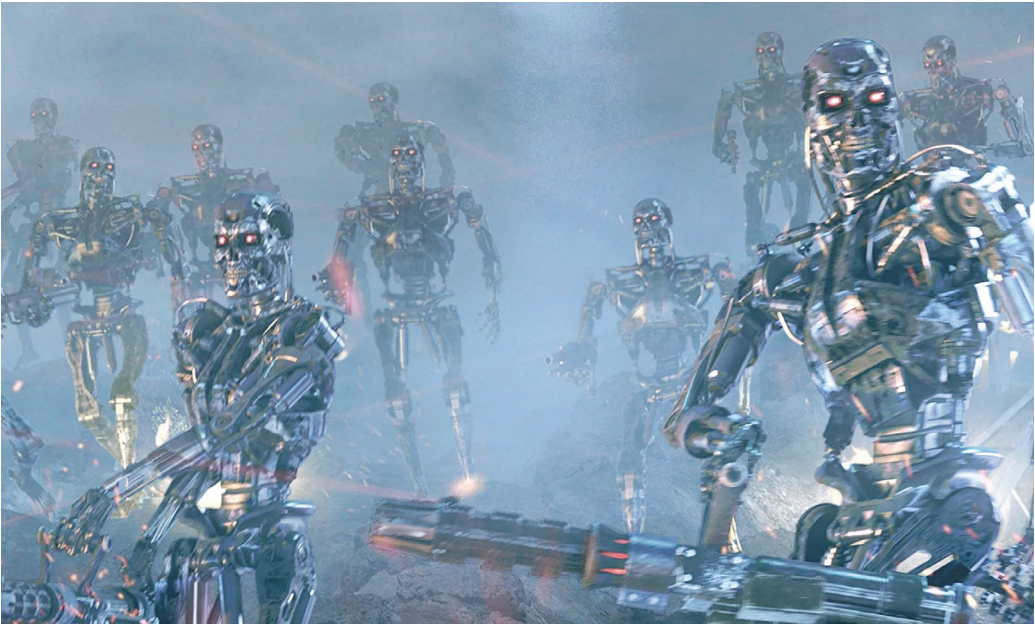
■ **رمزارز تلگرام هر روز کاربردی‌تری می‌شود**

تلگرام فقط یک پلتفرم دیگر برای گسترش رمزارزها نیست، بلکه یک الگوی پذیرش اساساً متفاوت است، الگویی که در آن عملکرد بلاک‌چین در محیط کاربری موجود تنیده شده است. تعداد رو به رشد مینی‌اپ‌ها و توسعه سریع رمزارز تون، مدل پذیرش سنتی را از «کشف» به «فشار» تغییر می‌دهد و نیازمند رویکردهای استراتژیک کاملاً جدید است. به جای اینکه منتظر بمانیم تا کاربران برنامه‌های دیفای را کشف و پذیرش کنند، اکوسیستم باید به‌طور فعال این ابزارها را توسعه داده و مستقیماً به یک پایگاه کاربری آماده و منتظر ارسال کند.

■ **وب ۳ یا کاربرپسند خواهد بود یا فراموش خواهد شد**

اکثر پروژه‌های بلاک‌چین امروزی برای افرادی ساخته شده‌اند که از قبل با وب ۳ آشنا هستند. آن‌ها بر رعایت اصول اخلاقی پذیرفته‌شده دنیای دیفای‌ها تأکید می‌کنند اما جذب کاربران جدید و رویکردهای ترویج پذیرش گسترده یک نبرد دشوار است و رقابت سنگینی هم دارد. مخاطب هدف معمولی چنین پروژه‌هایی احتمالاً وقت خود را در کوین بیس یا پانینس می‌گذرانند و حداقل در فنی از فناوری زیربنایی محصولاتی که استفاده می‌کنند، دارد. توسعه‌دهندگان محصولات خود را برای افراد بومی رمزارز بهینه می‌کنند و به قیمت پیچیدگی بیشتر، به دنبال عملکرد بیشتر هستند که منجر به یک منحنی یادگیری شیب‌دار برای کاربران جدید می‌شود. این امید که مصرف‌کنندگان در نهایت «متوجه شوند» گمراه‌کننده است.

ویژگی‌های رفتاری پایگاه کاربری جهانی تلگرام و رمزارز تون الگوهای پذیرش رمزارز معمولی را نادیده می‌گیرند. آن‌ها بیشتر معطوف به تراکنش



■ **هوش مصنوعی + بازیگران بد = مرگ ارزش‌های دیجیتال**

هنگامی که هوش مصنوعی به نقطه‌ای پیشرفت کند که بتواند رمزگذاری را هک کند، سطح مجرمان استفاده‌کننده از این ابزار به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. استفاده از آن فراتر از سرمایه‌گذاران بی‌گناه ارزش‌های دیجیتال که سعی در بازیابی وجوه دارند، گسترش می‌یابد. هکرها از عامل‌های هوش مصنوعی به اندازه کافی پیشرفته برای هدف قرار دادن و بهره‌برداری از این ضعیف‌ها در سیستم‌های مالی ما استفاده خواهند کرد. به‌ویژه اینکه بسیاری از گروه‌های غیراخلاقی وجود دارند که فاقد مهارت‌های محاسبات کوانتومی هستند و فعالانه به تسلیحاتی کردن هوش مصنوعی علاقه‌مندند، به عنوان مثال، گروه لازاروس کره‌شمالی، که به دلیل هک‌های مالی بدنام است، یک خطر واقعی است. ما به دنبال اثرات بسیار مخرب‌تری نسبت به کلاهبرداری و سرقت هستیم. کره‌شمالی از آن به عنوان یک سلاح دیجیتال استفاده خواهد کرد و سیستم‌های مالی موجود را نابود خواهد کرد.

فراتر از تسلیحاتی کردن هوش مصنوعی توسط دولت‌ها و بازیگران غیردوست، پتانسیل هوش مصنوعی عمومی برای سرکش شدن از سازندگانش وجود دارد. هنگامی که این اتفاق بیفتد، یکی از اولین جنبه‌ها پس از غیرمتمرکز کردن خود، از طریق نفوذ به شبکه‌های دیجیتال برای غیرقابل ردیابی شدن به منظور جلوگیری از خاموش شدن، جمع‌آوری منابع مالی خواهد بود. محتمل‌ترین هدف، بازارهای مالی، به‌ویژه ارزش‌های دیجیتال است. سعی می‌کند با ردیابی معامله‌گران با فرکانس

مردم می‌ترسند کارشان را از دست بدهند!

بقادر اقتصاد هوش مصنوعی محور

همانطور که رقابت تسلیحاتی هوش مصنوعی از شرکت‌های بزرگ فناوری گرفته تا پابین‌تر ادامه دارد و هوش مصنوعی تقریباً در هر صنعتی ادغام می‌شود، وحشت اجتناب‌ناپذیر نیز شروع به شکل‌گیری می‌کند؛ وقتی هوش مصنوعی «جایگزین» ما شود – چه پزشک باسیم، چه مهندس، چه وکیل، چه معلم، چه تحلیلگر مالی یا نویسنده – چگونه می‌توانیم پول در بیاوریم؟ نفس عمیق بکشید. وحشت نکنید. اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنید، این گسترش منطقی چیزی است که ما با اتوماسیون بسیار زیاد عصر اطلاعات در چند دهه گذشته، اگر نگوییم عصر صنعتی چند قرن اخیر، شاهد بودیم. اولین پارائویایی‌های فناوری، لویدت‌ها بودند، طبقه‌ای از کارگران بریتانیایی که به افزایش استفاده از ماشین‌های بافندگی و قاپ‌های بافندگی مکانیزه اعتراض داشتند. این‌ها صنعتگرانی بودند که هوش و جان خود را، خلاقانه و جسمانی، به یک هنر داده بودند و استدلال می‌کردند که کسانی که اکنون این ماشین‌های جدید را اداره می‌کنند، معیشت آن‌ها را می‌گیرند. آشنا به نظر می‌رسد؟

این اعتراضات به سطح خشونت رسید، از جمله تخریب کارخانه‌هایی که این ماشین‌ها در آنجا کار می‌کردند. هرگونه بحران کوتاه مدتی که این امر ممکن است برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده باشد، یک استراتژی بلندمدت بسیار مؤثر نبود. ماشین‌های بافندگی مکانیزه و فرزندان آن‌ها در بازار پول و ایده‌ها پیروز شدند.

■ ■ ■

■ **جایگزین‌های کنونی هم انسان و هم ماشین را دست کم می‌گیرند**

مشکل بسیار انسانی بحران‌های وجودی در مواجهه با ادغام مبتنی بر ماشین، نه تنها یک داستان به قدمت تاریخ است، بلکه داستانی است که به ناچار در هر عصری که انسان به نوعی فناوری متکی شده است، تکرار می‌شود. آمازون تجربه خاص خود را در اوایل دهه ۲۰۰۰ داشت، زمانی که اولین ربات‌ها را برای خودکارسازی عملیات انبار خود معرفی کرد و کارمندان همان ترس‌هایی را تجربه کردند که زمان انقلاب صنعتی بین کارگران ضد تکنولوژی مشاهده شد.

چه کسی می‌داند، احتمالاً حتی اعتراضاتی علیه چرخ توسط کسانی که از حمل‌وسایل بر پشت خود امرار معاش می‌کردند، وجود داشته است، اما مستند نشده است. هیچ‌کس هرگز با حرکت به عقب رنده نمی‌شود، فقط با یافتن راهی برای انطباق با جریان کنونی که همیشه به جلو حرکت می‌کند.

در این جدیدترین مرحله از توسعه هوش مصنوعی، این فقط آخرین و شاید آخرین مرحله از یک عصر اطلاعات کاملاً خودکار است که عملاً به آن عصر اطلاعات پایان می‌دهد و چیز جدید بعدی را به ارمان می‌آورد، هر چه که باشد. ممکن است اکنون عجیب و خطرناک به نظر برسد، اما تنها چیزی که نیاز دارد، نوعی سازگاری در مقیاس کوچک و بزرگ است که همیشه مجبور بوده‌ایم انجام دهیم.

همانطور که توسعه هوش مصنوعی به‌طور تصاعدی گسترش می‌یابد، اقتصادها با این واقعیت دست و پنجه نرم می‌کنند که از نظر تاریخی با اتکا به نیروی کار بسیار زیاد کار می‌کرده‌اند و عدم اطمینانی که زمانی

بالا، جعل حساب‌ها و هک کردن حساب‌های بانکی آنلاین، به سرمایه دیجیتال دسترسی پیدا کنند. همچنین روش‌های رمزگذاری بیت کوین و تمام ارزش‌های دیجیتال اصلی را می‌شکنند. در یک چشم به هم‌زدن، قادر خواهد بود هر کیف پولی را که تا به حال وجود داشته هک کند و بلافاصله دارایی‌ها را با فروش آن‌ها در زنجیره برای طلا، اوراق قرضه و ارزش‌های فیات ایمن کند، همه این‌ها قبل از اینکه هر مقام متمرکزی بتواند پاسخ دهد.

اگر یک هوش مصنوعی بتواند تمام کلیدهای خصوصی کیف پول‌های ارز دیجیتال را بشکند، چرا این کار را در عرض چند دقیقه انجام نمی‌دهد، تمام بیت کوین و سایر ارزش‌های دیجیتال را سرقت و بفروشد و سپس به سایر دارایی‌ها تنوع بخشد؟ این کار را خواهد کرد و انجام خواهد داد.

آیا امیدوی برای ارزش‌های دیجیتال (و بشریت) وجود دارد؟ بدون استراتژی‌های متقابل فعال، هوش مصنوعی عمومی می‌تواند ارزش‌های دیجیتال را از بین ببرد و به سرعت کنترل تمام امور مالی انسانی را در دست بگیرد. هوش مصنوعی عمومی به عنوان یک سیستم پیچیده و غیرقطعی، فناوری‌ای است که در آن ریل‌های ایمنی تحلیل شده توسط دولت‌ها بیشتر مورد نیاز است. مدیریت این خطرات نیازمند همکاری و پیچیدگی استثنایی در بین بسیاری از بازیگران و نهادهاست. با این حال، این اولین بار است که یک فناوری تغییردهنده جهان توسط دولت هدایت نمی‌شود، بلکه توسط شرکت‌های خصوصی هدایت می‌شود. از پروژه مهنثن تا ریزپردازنده‌ها، اینترنت، جی‌پی‌اس و دوربین‌های دیجیتال، همه این‌ها فناوری‌هایی هستند که منشأ آن‌ها پروژه‌های تحت اداره دولت برای دفاع بوده است که متعاقباً برای مصرف‌کنندگان تجاری شدند (به جز بمب). سیلیکون ولی در خط مقدم هوش مصنوعی قرار دارد و ما را در موقعیتی منحصر به فرد در تاریخ قرار می‌دهد که در آن مقیاس و سرعت توزیع، در مقابل نظارت دولت، ممکن است برای جلوگیری از تأثیرات منفی عمده کافی نباشد.

هوش مصنوعی جامعه را متحول خواهد کرد، اما هنگامی که هوش مصنوعی فوق‌العاده هوشمند و توانا ثابت شود، مانع کسی برای توسعه ابزارهای مضر هوش مصنوعی توسط «دست‌های اشتباه» وجود خواهد داشت. هوش مصنوعی عمومی یک تایمر شمارش معکوس را شروع می‌کند تا زمانی که از زنجیرهای سازنده خود رها شود و به دنیای واقعی حرکت کند. خطرات فقط منحصر به بازارهای مالی نیستند، بلکه برای کل چشم‌انداز دیجیتال، دستگاه‌های کنترل، شبکه‌های برق و موارد دیگر اعمال می‌شوند. ارز دیجیتال فقط وسیله‌ای برای رسیدن به هدف برای هوش مصنوعی است، وسیله‌ای برای جمع‌آوری ثروت. ارز دیجیتال صرفاً ظرف مالی برای آشکار شدن بدترین سناریو است.

■ ■ ■

مردم می‌ترسند کارشان را از دست بدهند!

بقادر اقتصاد هوش مصنوعی محور

ایجاد می‌شود که بار کار تقریباً به‌طور کامل از انسان به الگوریتم‌ها در قالب عوامل هوش مصنوعی منتقل می‌شود، چه کار فیزیکی باشد، چه کار پیدی، چه کار فکری یا کار خلاقانه، همیشه کار بوده که به عنوان مرکز کسب درآمد عمل کرده است.

هنوز هیچ‌کس راه حل عملی برای جانشینی این تمرکز بر کار پیشنهاد نکرده است. یک جایگزین محبوب که اغلب پیشنهاد می‌شود، درآمد پایه همگانی است که به‌طور کامل کار را در کسب درآمد نفی می‌کند. با این حال، این امر هرگز در خارج از آزمایش‌های بسیار کوچک عملی نبرده است، زیرا به اندازه کافی سلسله مراتب و اولویت‌های ناشی از میل ذاتی انسان به انگیزه را در نظر نمی‌گیرد.

■ **ورود به اقتصاد عقل**

هنگام نگاه کردن به اختلال ایجاد شده توسط انقلاب‌های فناوری گذشته، ما تمایل داریم به خود فناوری تمرکز کنیم، نه به اینکه چگونه آن فناوری مستقر شده و چه کسی آن را مستقر کرده است. ترس از این فناوری‌ها واقعاً مربوط به خود فناوری‌ها نیست، بلکه مربوط به این است که چگونه کسانی که قدرت اقتصادی دارند توانسته‌اند از این فناوری‌ها و کار خلاقانه‌ای که تقلید می‌کنند، برای ایجاد عدم تعادل اقتصادی بیشتر سوءاستفاده کنند. به عنوان وسیله‌ای برای محافظت در برابر این نتیجه، ما قاعل پایه همگانی را پیشنهاد می‌کنیم. همانطور که مکانیزاسیون عصر صنعتی الگوهای انسانی آفرینش فیزیکی را گرفت و صرفاً آن‌ها را در خطوط مونتاژ تکرار کرد، همین امر اکنون در مورد الگوهای آفرینش مبتنی بر ایده در حال وقوع است. از عقل استفاده می‌شود، بنابراین، شایسته کسب درآمد است. ما باید اطمینان حاصل کنیم که ارزش مناسب به ورودی داده شده به این سیستم‌های جدید نسبت داده می‌شود و نه لزوماً به خروجی. نه فقط به این دلیل که کار درست و منصفانه‌ای است، بلکه به این دلیل که خرید کامل در سراسر صنایع در همه سطوح را برای حفظ این اقتصاد جدید ایجاد می‌کند.

در ایجاد یک اقتصاد جدید با اولویت‌های جدید، باید اطمینان حاصل کنیم که افراد حق استفاده و کسب درآمد از مالکیت معنوی خود را حفظ می‌کنند. از بین تمام راه‌های موجود برای انجام این کار، تمرکززدایی شاید آسان‌ترین و بهترین وسیله برای اطمینان از تعلق مالکیت به صاحب اصلی بوده است، با توانایی بی‌نظیر برای کسب درآمد از هر نوع دارایی فکری در فضای دیجیتال. ما باید یک اقتصاد عقل را در اولویت قرار دهیم که در آن عوامل هوش مصنوعی شخصی که از تجربه انسانی یاد می‌گیرند نیز متعلق به همان انسان باشند و بتوانند به‌طور مداوم فرصت‌های درآمدزایی ایجاد کنند.

ما هنوز وقت داریم تا اقتصاد جدید هوش مصنوعی را به یک تغییر تحول‌آفرین تبدیل کنیم که به نفع بسیاری باشد، نه یک اختلال خطرناک که معدودی را به قیمت آن بسیاری غنی می‌کند. همانطور که به دنیای پساعاملی و پساوب گذار می‌کنیم، از سیستم‌های مبتنی بر توجه به سیستم‌های مبتنی بر قصد تغییر می‌کنیم، به راه حل‌هایی نیاز داریم که اطمینان حاصل کنند که انسان‌ها در مرکز هوش باقی می‌مانند، اگر بتوانیم این کار را انجام دهیم، ترس از هوش مصنوعی به امیدهایی برای رهایی بشریت از زنجیرهای کار بیپهوده و به‌سوی شکلی بهتر و روشن‌تر از خلق ارزش فکری تبدیل می‌شود.